

اصطلاحات كريسمسي

یادگیری اصطلاحات در زبان انگلیسی اهمیت زیادی دارد. اصطلاحات، عباراتی هستند که معنای متفاوتی از معنای لغوی کلمات تشکیل دهنده آنها دارند. از آنجایی که از اصطلاحات در مکالمات و نوشته های روزمره بسیار استفاده می شود، یادگیری اصطلاحات به شما کمک می کند تا زبان انگلیسی را به طور طبیعی تر و روان تر صحبت کنید. همچنین به شما کمک می کند تا منظور دیگران را بهتر درک کنید و با فرهنگ انگلیسی زبانان بیشتر آشنا شوید.

آرزوی بارش برف در روز کریسمس :"To have a white Christmas".

Example: "I really hope we have a white Christmas this year. It just doesn't feel the same without snow."

واقعاً امیدوارم که امسال در روز کریسمس برف ببارد. بدون برف حال و هوای خاصی ندارد.

رشرو، بیاحساس: "To be a Scrooge"

Example: "Don't be such a Scrooge! It's Christmas, let's enjoy ourselves and spread some cheer."

ترئین یا آراستن یک مکان با ترئینات جشنی :"To deck the halls".

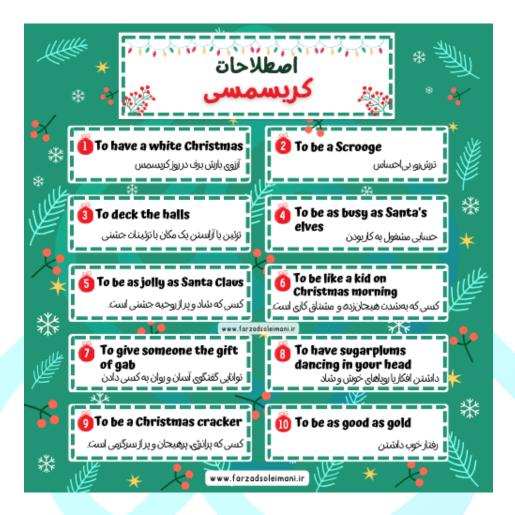
Example: "We spent the whole weekend decking the halls with lights, garlands, and ornaments."

4. "To be as busy as Santa's elves": حسابی مشغول به کار بودن

Example: "During the holiday season, I am as busy as Santa's elves, trying to get everything done before Christmas."

شخصی را توصیف میکند که شاد، خوشحال و پر از روحیه جشنی است: "To be as jolly as Santa Claus".

Example: "She always has a smile on her face and is as jolly as Santa Claus during the Christmas season."



6. "To be like a kid on Christmas morning": به کسی اشاره دارد که به شدت هیجانزده یا مشتاق به چیزی است

Example: "When she saw the presents under the tree, she was like a kid on Christmas morning."

وقتی هدایا را زیر درخت دید، حسابی هیجان زده شد.

7."To give someone the gift of gab": توانایی گفتگوی آسان و روان به کسی دادن

Example: "She has the gift of gab and can keep everyone entertained at the Christmas party."

او قدرت گفتگوی بسیار بالایی دارد و میتواند همه را در مهمانی کریسمس سرگرم کند.

الله الله الكاريا رویاهای خوش و شاد :"To have sugarplums dancing in your head". داشتن افكار یا رویاهای خوش و شاد

Example: "The children went to bed with visions of sugarplums dancing in their heads, eagerly awaiting Christmas morning."

بچهها با تصور رویاهای خوش به خواب رفتند و بمشتاقانه منتظر صبح کریسمس بودند.

کسی است که پرانرژی، پرهیجان و پر از سرگرمی است: "To be a Christmas cracker".

Example: "She's always the life of the party, a real Christmas cracker."

او همیشه به مهمانی جان میدهد، پر از شور و نشاط و سرگرمی.

رفتار خوب :"To be as good as gold". رفتار خوب

Example: "The children were as good as gold during the Christmas dinner, sitting quietly and patiently."

بچهها در طول شام شب کریسمس خیلی خوب رفتار کردند، و آرام و صبور نشسته بودند.



بسته جامع زبان پایه تا پیشرفته